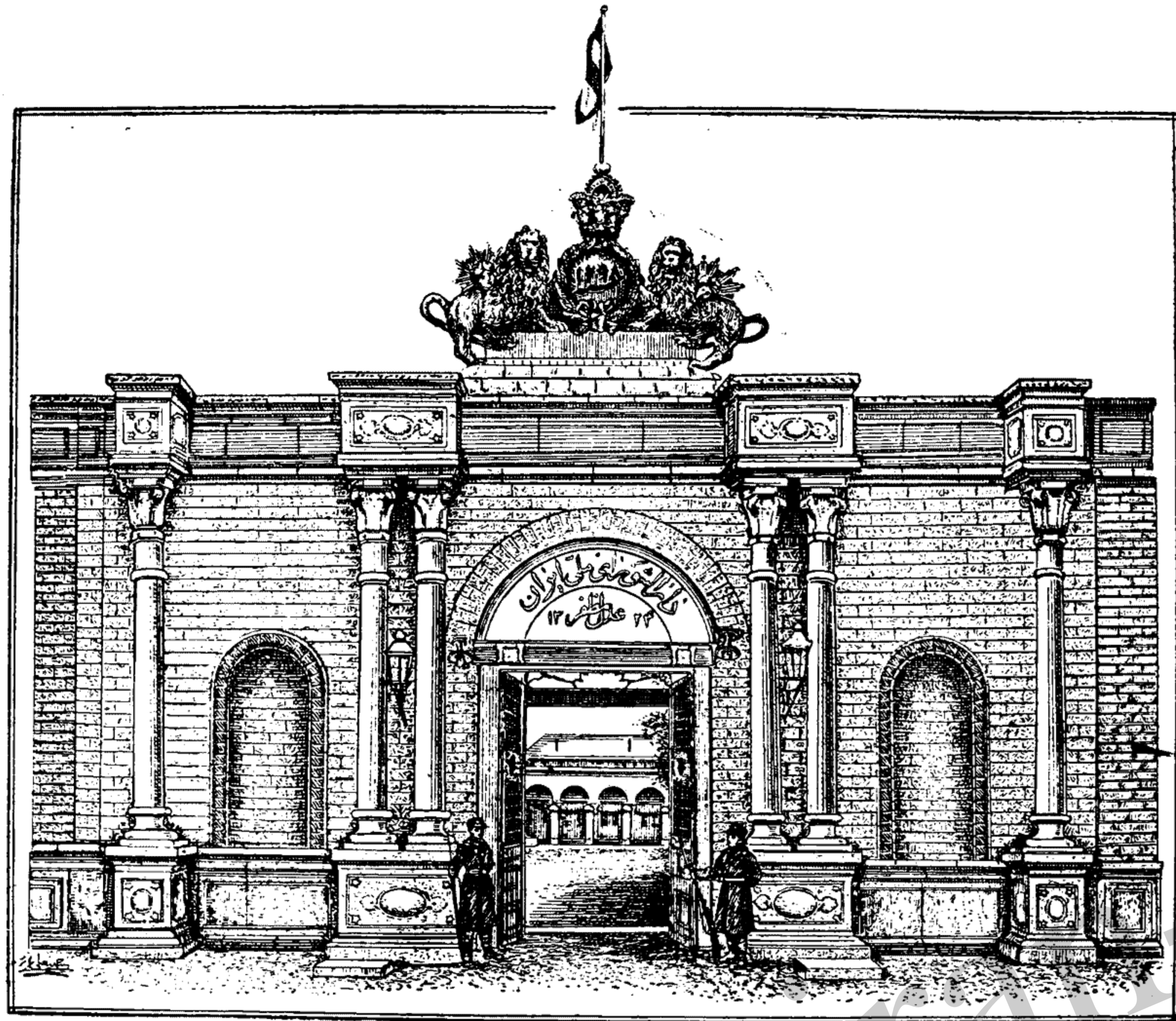


<p>جلسه ۱۰۸</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره هفتاد و سوم</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه يك شنبه ۳۱ اردیبهشت ماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۰ ذیقعده الحرام ۱۳۴۵</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود یس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در يك شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایران سالبانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قیمه تك شماره يك قران</p>



عنوان	از صفحه	الی صفحه	عمره
خبر کمیسیون معارف راجع به اصلاح قانون طبابت ماده ۱ و ۲	۱۴۷۱	۱۴۸۹	۱

مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس يكشنبه ۳۱ اردیبهشت ماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۰ ذیقعده ۱۳۴۵

جلسه ۱۰۸

(مجلس سه ساعت قبل از ظهر بریاست آقای

پیرنیا تشکیل گردید)

(صورت مجلس روز گذشته را آقای

بنی سلیمان قرائت کردند)

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - راجع به لایحه وزارت داخله

در صورت مجلس اشاره نشده است که به کمیسیون داخله

ارجاع شد. اگر لازم است ذکر شود.
 رئیس -- درست ملتفت نشده. چه فرمودید؟
 آقای سید یعقوب -- عرض کردم فوریت لایحه وزارت داخله را که مجلس تصویب کرد در صورت مجلس همینهقدر نوشته شده که تصویب شد دیگر نوشته است به کمیسیون داخله مراجعه شد اگر لازم است ذکر شود.
 رئیس -- اضافه میشود. صورت مجلس دیگر اعتراضی ندارد؟
 (اظهاری نشد)
 رئیس -- صورت مجلس تصویب شد
 رئیس -- وارد دستور میشویم. پیشنهاد آقای بامداد راجع بدستور قرائت میشود
 (بمنظور قرائت شد)
 پیشنهاد میکنم لایحه اصلاح قانون طبابت مطرح و مقدم بر دستور باشد
 رئیس -- فرمائید توضیح بدهید.
 بامداد -- نظر باینکه موضوعی که در دستور بود ممکن بود دچار کشمکش بشود و وقت مجلس را تلف کند و لایحه اصلاح قانون طبابت هم فوق العاده مبتلابه است از طرفی مردم ولایت از بی طبیبی فریاد مینهند و از طرف دیگر امنای وزارت معارف بحکم وظیفه ممانعت و جلوگیری می کنند از طبیبانی که غفلت کرده اند از اخذ اجازه نامه این بود که بنده پیشنهاد کردم این لایحه در دستور گذاشته شود و آقایان هم انشاء الله تصویب می فرمایند که این مشکل مهم حل شود.
 روحی -- بنده مخالفم.
 رئیس -- بفرمائید
 روحی -- لایحه اضافات چهار فقره بوده است دو فقره آن که راجع وزارت معارف و وزارت پست و تلگراف بوده است تصویب شده و گذشته سال وزارت فوائد

عامه و خارجه بقی است. راجع وزارت فوائد عامه در جلسه گذشته وقت مجلس را اشغال کرده است حالا بلا اثر گذاشتنش نمی دانم از چه نقطه نظر است؟ اگر آقایان نظری دارند نمکن است در ضمن مطرح شدن پیشنهاد کنند دولت هم موافقت می کند و جرح و تعدیل می کند. بعلاوه آن قسمتی که راجع به جنس محل اختلاف بود آن را در روز بعضی آقایان و کلاء ذی نفع (آقای رفیع و سایرین) نشسته اند و ترتیبی برایش داده اند و این نظر هم تأمین شده است. گذشته از این الان برای قانون طبابت يك مدافعی از طرف دولت نیست. وزیر یا معاون نیست که دفاع بکنند.
 بکنفر از نمایندگان -- مخبر که هست.
 روحی -- از این نظر بنده مخالف هستم و بهتر آنست همان لایحه اضافات وزارت فوائد عامه که جزو دستور بوده مطرح باشد.
 رئیس -- رأی میکنیم به پیشنهاد آقای بامداد آقایان که تصویب میکنند قیام فرمایند.
 (اغلب قیام نمودند)
 رئیس -- تصویب شد. خبر کمیسیون معارف قرائت میشود.
 (بشرح آتی قرائت شد)
 ماده اول -- طبیبانی که تاکنون موفق باخذ اجازه نامه رسمی نشده اند چنانچه مدلل دارند مدت ده سال متوالی مشغول طبابت بوده اند می توانند در مجلس امتحانی که در وزارت معارف و مراکز عمده ایالات و ولایات تشکیل خواهد شد امتحان دهند در صورتیکه امتحانات آنها مورد قبول واقع شود اجازه نامه طبابت بآنها داده خواهد شد و فقط حق استعمال ادویه خواهند داشت که در حدود معلومات آنها باشد.
 تبصره -- مدت امتحانات مذکور از تاریخ تصویب این قانون تا یکسال خواهد بود.
 ماده دوم -- وزیر معارف مأمور اجرای این قانون است.
 رئیس -- آقای دکتر سنک
 دکتر سنک -- بنده خدای خود را شاهد میکنم که مخالفت من نسبت به این لایحه نه از نظر این است که رحمت کلاسی دیده ام بلکه برای این است که از این فن بهره دارم و چهارم عقایدی را که راجع به این لایحه دارم نظاره کنم. عقیده من خوشبختانه بعد بحثها مخالف است با این لایحه.
 کارزونی -- چرا؟
 دکتر سنک -- حالا عرض میکنم علت تقدیم این لایحه دو موضوع است یکی اینکه چون طبیب نداریم و دکتر بقدر کفایت نداریم و در بعضی از نقاط هم اگر اشخاصی مبتلا شوند با مرضی طبیب ندارند و باید بایشان طبیب تهیه کرد و معالجه آنها و بار کردن این یکی یکی دیگر این است که وزارت معارف حقیقتاً دچار مصیبت و فشار شده چون يك عده میگویند که ما از طبابت محروم مانده ایم باینکه اطلاعات داریم و طبیب هستیم و در آن موقعی که اجازه نامه داده می شد ما موفق باخذ آن نشدیم حالا يك ترتیبی بدهید که با هم اجازه نامه داده شود این هم علت دیگر. اما قسمت اول که ما میگوئیم چون طبیب نداریم باید بموجب این ماده که بن جا نوشته است که اگر کسی ده سال متوالی مشغول طبابت بوده بتوانیم با اجازه طبابت بدهیم يك شرط که او بیاید و امتحان دهد. این شرط اخیر ممکن است قدری آقایان را قانع نکند ولی بنده چه میگویم؟ بنده عرض میکنم که این لایحه قانون طبابت غیر از آن لواجبی است که تاکنون آمده است بمجلس شورای

ملی. این لایحه لایحه شنیدار و راه آهن و سایر چیزها نیست این لایحه مرادبط بجان است. این لایحه لایحه ایست که ما باید تصدیق کنیم يك عده بروند و مشغول طبابت باشند و جان مردم را بدهیم دست آنها. گرچه بنده کاملاً معترف هستم که يك عده اشخاصی هستند و میتوانند از عهده متحن بر آیند و کار کرده اند و حتماً هم ایستگی بآنها تصدیق داد ولی يك عده هم هستند که شاید ببنظور نباشند. خوب اگر در سایر ممالک اینطور نباشد و ما بیری کمی وسائیل در تهیه طبیب نداریم این اصل را قبول کنیم باید خیلی شریکیش را سنگین قرار داد. آقای قضیه چون است در هیچ جایی دنیا کسی نیست طبابت کند غیر از کسانی که از کلاس بیرون آمده باشند. آقایان که اروپا رفته اند میدانند اگر دیده اند غیر از کسانی که از کلاس بیرون آمده باشند مشغول طبابت باشند فرمایند؟
 کارزونی -- آهیم بعد از عمل.
 دکتر سنک -- اجازه بدهید. شاید حضرات علی که در هر فن متخصص هستید دیده باشید. ولی اجازه بفرماید بنده هم در این موضوع عریضی عرض کنم چون مسئله جان است و ما باید يك مسؤلیت بزرگی را پیش چشم خود مان به بینیم و رأی بدهیم. خراسان عرض کنم که این موادی که این جا نوشته اند که هر کس رساند که ده سال متوالی مشغول طبابت بوده اگر امتحان بدهد و اجازه نامه طبابت داده خواهد شد. این چه مدرکیست خواهد داشت؟ اگر مدرکی است که از طرف يك فاکولته یا يك مدرسه طبیبی یا يك اشخاص مطلع و بصیری باشد که بنده حیرت ندارم و ایشان البته صالح اند که بیایند اینجا و امتحان بدهند و پس از قبول شدن امتحان بروند مشغول طبابت بشوند ولی اگر نباشد از کجا باید تشخیص ده سال طبابت را داد؟
 اجازه بدهید يك حکایت کوچکی را خدمت آقایان عرض کنم:

يك وقت سر مريضی رفتیم دیدم يك کسی آن جا نشسته است و بقول خودش مشغول طبابت است . گفتم چه مرضی دارد ؟ گفت حصه دارد و سودای معده او زیاد شده است . گفتم خوب حالا چه می کنید ؟ دیدم دارد خمیر گرم می کند و میگذارد سر مریض حصه که سرش درد گرفته گفتم آخر چرا همچو می کنی ؟ گفت چون ذات الریه اش ورم کرده می خواهم سودا را از معده اش بیرون بیاورم (خنده نمایندگان) شما می خندید اما من نخندیدم یعنی اگر می شنیدم شاید من هم میخندیدم چون مضحك است ولی شما بفهمید چرا ؟ برای اینکه دوزخ بعد رفتم دیدم آن آقای که می خواست ذات الریه مریض را که ورم کرده بود معالجه کند یا سودای معده اش را می خواست بیرون بیاورد بواسطه سوء معالجه اش مرض حصه یا منازیرت توام شده و منازیرت را مساعدت کرده و مریض را کشته است اما زن بد بخت او با چند بچه صغیر در اول شب بایک چراغ کوچک موشی نشسته و گریه می کردند . بنده عرض می کنم که آن زن گریه می کرد که چطور اطفال را اعاشه کند و بچه ها هم گریه می کردند و نان میخواستند و گرسنه بودند . گفتم آقا شما چه طور طبابت کرده اید ؟ فوری يك استشهاد بیرون آورد که اقا نوشته است : این شخص را من دیدم که چند نفر مریض را معالجه کرد . آن یکی در گوشه دیگر اعتراف کرده بود (البته آقایان خودشان دچار این مضیقه ها شده اند که آورده باشند استشهاد را و در تحت تأثیر انسان را مجبور کنند) شاید در تحت تأثیر بنده کردن شکسته هم آن را امضاء کرده باشم که بلی این آقا خوب طبیبی است . حالا بنده خواستم عرض کنم که اینها را باید تماماً در نظر داشت من نمیخواهم لایحه را که دولت آورده است آنهم در موقعی که آقای تدین وزیر معارف هستند رد بشود اما کار کار وجدانی است و امر جان است و من ناچارم در این

در آنجا اطباء مختلفه وجود داشته باشند يك نفر طبیب حاذق ایرانی باشد چند نفر ضعیف دیگر باشند و در تحت نظر آنها و در تحت شرایط معین امتحان آنها شروع بشود . بعضی از آقایان میفرمایند اگر بخوایم يك عده اشخاصی را از راههای دور بطلبیم که بیایند در مراکز و امتحان بدهند برایشان اسباب زحمت میشود ولی حالا باید به بنیم آیا این زحمت اینقدر هست که مساوی به مرك يك نفر بشود ؟ البته خیر . از آقایان میپرسم که اگر گفت یا نوکر شما ناخوش باشد آیا او را میدهید بدست يك نفر طبیب استشهاد ؟ تصور نمی کنم همچو کاری بکنید . بنده عرض میکنم وقتی که ما بخودمان روا نمی داریم بدیگران هم روا نداشته باشیم . باید برعابای بدبخت بیچاره که در آن صفحات فتاده اند و همه آقایان هم می دانند که آنها از امور صحی کاملاً بی نصیب اند آنها را ملاحظه کرد و رعایت نمود و جان شان را حفظ کرد . باید آنها را خیلی خدمت بهشان بکنیم آنها هستند که بما ثروت میدهند . آنها هستند که میتوانند مملکت ما را رو بترقی ببرند و زراعت و فلاح مملکت ما را تأمین کنند . ما ها هم باید در مقابل وسائل صحیه آنها را فراهم کنیم . اما چه جور شما ضمانت می کنید این مطلب را ؟ وقتی در این جا می نویسند بکسانی که اجازه نامه طبابت داده خواهد شد فقط حق استعمال ادویه خواهند داشت که در حدود معلومات آنها باشد بنده میپرسم شما که این را مینویسید چطور اجرامی شود ؟ خیلی خوب می گوئید که شما حق ندارید جز فناستین و انقی برین و پیرامیدون و اسپرین بدهید یا حق ندارید جز حصه و مالاریا و سایر امراض را که مهم نیست معالجه نهائید ولی شما کجائید آنوقت که درد کوه با در دهات پر جمعیت و قصبات آن شخصی که مبتلا به پونومونی شد یا ذات الریه گرفت شما اطمینان دارید که این شخص میگوید که من نمیتوانم معالجه کنم و شخص دیگری را بیاورید ؟ اگر

شما این اطمینان را میدهید که خیلی خوب بنده هم حرفی ندارم . اگر می فرمائید این شخص مطابق معلوماتی که داشته در اجازه داده اند و از آن نخطی نخواهد کرد و مسئولیت را آقایان بعهده میگیرند که بنده حرفی ندارم بری اینکه اینجا موقع مسئولیت است علی ای حال خواستم عرض کنم که این امتحانات باید اقلاد در جاهائی بشود که در آنجا يك عده طبیب مخصوص اطباء ایرانی هم باشند و دیگری هم که تازه از اروپا آمده و در نخورده استعمال ادویه ایرانی باشند اینجا بنشینند با هم امتحان کنند اشخاص را و تصدیق صحیح بدهند نه آنطوریکه در این لایحه نوشته اند دیگر این که در اینجا نوشته اند مدت امتحانات مذکوره از تاریخ تصویب این قانون یکسال خواهد بود بنده خواستم استدعا کنم که آقایان اجازه بدهند که در این جا ضافه شود پس از مدت یکسال هیچکس بهیچ اسم و رسم حق نخواهد داشت طبابت کند مگر از کلاس بیرون آمده باشد .

بمداد پیشنهاد کنید .
دکتر سنگ - چشم در موقعش پیشنهاد میکنم .
حالا خواستم تذکر بدهم خدمت حضرت عالی و سایر آقایان که بهتر از بنده می توانید پیشنهاد بفرمائید .
عرایض بنده برای این است که مختصر بهره از این فن دارم و بعد خودتان البته هر طور که صلاح میدانید همین طور رفتار می کنید . این بود عرایض بنده
دکتر ظهیری (مخبر کمیسیون معارف) - نماینده محترم حقیقه مخالفتی با این لایحه نداشتند بلکه اهمیت مطلب را خواستند برسانند که قضیه حیاتی است و باید لایحه اش با دقت تصویب شود . بری امر طبابت قانونی در سوم جمادی الاخر هزار و سیصد و بیست و نه در مجلس وضع شد که اطباء را محدود می کرده است بدو قسمت اطباء مجاز و غیر مجاز . طبائی که از مدارس دولتی خارجه یا داخله دیپلم داشته اند مجاز بودند و بقیه را با يك شرایطی از قبیل اشتغال با امر طبابت مدت

پنجسال و ده سال اجازه میدادند و بواسطه اینکه در این بقانون چندان اهمیت و وقعی گذاشته نمی شد شخصی بودند که برطبق قانون طبابت برای اخذ اجازه نامه طبابت مسامحه می کرده اند. و غالباً در ولایات شخصی هستند در صورتیکه ساطای متوالی طبابت اشتغال داشته اند اجازه نگرفته اند همینطور کسانی هستند که بعد از آن قانون يك تخصیلاتی کرده اند که غیر منظم بوده و کلاسیکی نبوده پیش دکترها تخصیلات کلاسیکی می کرده اند و عملیات را میدیدند و درس می خواندند. بر طبق قانونی که سابقاً از مجلس گذشته مدت دادن اجازه هم منقضی شده است و شخصی که دارای اجازه نیستند از طرف وزارت معارف و وزارت داخله جلوگیری از ایشان میشود از طرفی هم دولت و صحنه و مردم بواسطه این که اطباء دیپلمه بقدر کیفیت نیستند در مضیقه و فشار هستند و حالا که صحنه يك پیشرفتی کرده موفق شده است که گاهی بيك ولایتي يك نفر طبیب بفرستد ولی بعضی از ولایات هست که هنوز هم طبیب دیپلمه ندارد مثل رشیز که آقای زوار همه روزه شکایت میکنند بر فرض که يك نفر طبیب دیپلمه هم بفرستید برای آن شهر و حومه آن که کافی نیست از آن طرف هم وزارت داخله جلوگیری میکند از اطباء غیر مجاز محلی در صورتی که بین اینها هستند يك شخصی که حقیقه عالم و حاذق هستند البته اشخاص بی سواد هم دارند ولی کسانی هم هستند که ده سال بیست سال است مشغول طبابت اند و مردم هم کاملاً بآنها اعتماد دارند ولی اجازه نامه هنوز نگرفتند و بی سوادانی هم هستند که باشار لائیک و ثقلب داخل در طبابت شده اند البته باید از آن ها جلوگیری بشود خلاصه بموجب قانونی که از مجلس گذشته مدت اجازه دادن گذشته و وزارت داخله و معارف جلوگیری می کنند مردم هم در مضیقه هستند و متصل شکایت می کنند بوزارت داخله و وزارت معارف و صحنه کل مملکتی که مابعد بعضی از این اطباء خودمان معتقدیم

و اجازه بدهید طبابت کنند. دولت هم اگر بخواهد اجازه ندهد که طبیب ندارد بآن جاها بفرستد اگر هم بخواهد اجازه بدهد که مخالف قانون رفتار کرده است پس برای رفع این مشکل وزارت معارف صلاح دانسته که لایحه برای اصلاح قانون سابق تقدیم مجلس شورای ملی بکند لایحه را هم دادند کمیسیون هم درش نظر کرد و خبرش را داد بطوری که قرائت شد. بعلاوه این لایحه دوشواری است و دو باره مطرح میشود مذاکره میشود و آقایان هر نظری دارند البته می فرمایند و پیشنهادات میدهند و می آید به کمیسیون در آنجا تجدید نظر درش می شود و نایباً بمجلس تقدیم میشود.

اما فرمایشاتی که همکار محترم آقای دکتر سنک فرمودند اساساً صحیح است نظر با اهمیت طبابت هر چه بفرمایند کم گفته اند ولی ایرادانی که فرمودند چیزی نبود که در این لایحه مؤثر و وارد باشد. یکی اینکه فرمودند که نوشته است که ده سال معالجه و اشتغال به طبابت را کافی دانسته ایم برای اجازه. در صورتیکه ممکن است ده سال اشتغال داشته باشد و سواد نداشته باشد. اینطور نیست برای اینکه در لایحه نوشته شده است که اگر ده سال سابقه داشته باشد نازه اجازه دارند بیایند امتحان بشوند نه اینکه ده سال اگر مشغول بود اجازه طبابت دارد. این ده سال را شرط اینکه در امتحان قبول شوند قرار داده اند. اما اینکه فرمودند امتحان باید جایی باشد که طبیب باشد البته هیئت متحنه اطباء هستند و الا غیر از طبیب که از طب امتحان نمی کنند. و اینکه فرمودند در بعضی ولایات امتحان ممکن نیست، در هر ایالت و ولایتی که ممکن بود هیئت متحنه مطابق دستور وزارت معارف تشکیل میشود و امتحان میکنند و هر جا که ممکن نشد به نقطه نزدیکتری که ممکن است میروند، مثلاً اگر طبیب قشه یا ابرقو را بخواهند امتحان کنند هیئت متحنه اش از اصفهان می رود، اینجا مینویسد محل امتحان در

وزارت معارف و مراکز ایالات و ولایات تشکیل خواهد شد. مراکز ایالات و ولایات مقصود این است که در قراء و قصباتش دیگر میروند بید طبیب باید در مراکز آن شهر. اینکه فرمودند مدت امتحانات بدست خواهد بود و بعد تصریح شود که بعد از آن دیگر نمی پذیرند این البته واضح است و معلوم است که پس از یکسال دیگر پذیرفته نمی شوند معیناً پیشنهاد نفرمائید مخالی ندارد.

رئیس -- آقای دادگر
 دادگر -- موافقم.
 رئیس -- آقای احتش مزاده
 احتش مزاده -- موافقم.
 رئیس -- آقای شبرونی
 شبرونی -- بنده تصور میکنم که نظیر این لایحه در هیچ پارلمانی در دنیا برای تصویب نیامده برای این که مخصوصاً فن طبابت يك فنی است که باید تأمین حیات جامعه را بکنند و يك شخصی بدون اینکه مراحل علمی را در مدرسه طی کند به او جواز طبابت و دیپلم داده شود. این چیز عجیبی است! ما قانونی میخواهیم بگذاریم که اشخاصی که مدرسه ندیده اند مثل اشخاص مدرسه دیده حق دارند دخالت در حیات مردم بکنند! ولی در عین حال از يك طرف همانطور که آقای دکتر فرمودند مملکت از حیث طبیب فقیر است و دولت را وادار کرده است که يك صورتی به این کار بدهد، این روی هم رفته يك کار سهل و آسانی نیست که بدون مطالعه اجازه داده شود به يك اشخاصی که بفرمایش آقای دکتر سنک آنطور برود طبابت کنند و خمیر روی سر حصیه بگذارند. ولی ممکن است در تمام مملکت پنج تا ده تا طبیب وجود داشته باشد که در نتیجه تخصیلات قدیمه و در نتیجه امتحاناتی که در عمل کرده اند بقدر عشر بکنفر طبیبی که در مدرسه اطلاعات پیدا کرده معلومات

و اطلاع داشته باشد ولی در هر حال نمیشود این را شامل عموم قرار داد ممکن است يك کسی همانطور که فرمودند بود يك استشهادهای بیورد که ده سال آقا طبابت کرده است و در مجلس امتحانی که آقای مخبر اشرف فرمودند حاضر شود و بيك وسایلی امتحان داده و اجازه طبابت به او بدهند. آقای دکتر که مخبر محترم هستند خودشان تصدیق میکنند طبیبی که از مدرسه بیرون می آید و میخواهند به او دیپلم بدهند، لاخره باید برود در کلینیک ها و در مطبقاته عمل کند و تجربه مدارجی را که در ضمن تحصیل طی کرده است باید عملاً نشان بدهد باید جراحی و عمل های مشکل را ببیند، بلکه دیپلم بدو بدهند بنده میدانم در ابرقو و سایرین و از کجا فرجه میکنند بر فرض يك نفر دکتر دیپلمه هم برود امتحان کند این وسایل و اسباب را از کجا فراهم می آورد که امتحان کنند در هر صورت بنده همانطور که عرض کرده معتقد نیستم که يك قانونی را بگذاریم که کسی که مدارج علمی را طی نکرده است بجای يك نفری که مراحل علمی را طی کرده است به نشیند، این قبیل قوانین سابقه است. بنده معتقدم افلاً ما يك مراحل بالائی را قائل شویم، مثلاً این چند نفری را که آقای دکتر اسم بردند که بنده هم سراغ دارم در اصفهان دو سه نفرشان هستند طبیب خیلی خوب می باشند ولی مدرسه را طی نکرده اند اینها باید بیایند تمرکز و قلاً يك سال در کلاسی که در مدرسه طب تأسیس میشود بطور عملی تحصیل کنند البته کسی که میخواهد يك ورقه در دست داشته باشد و بجای يك نفر طبیب زحمت کشیده کار کند و پول از مردم بگیرد باید يك سال هم زحمت بکشد یعنی پس از اینکه مدارجی را که ذکر شده طی کرد که ده سال طبابت کرده و امتحان داده نازه باید يك سال برود در مدرسه عملاً کار کنند پس از يكسال عمل به یادند مابعد علمی

و معلوماتش بقدری رسیده است که میتواند مثل سایرین ادویه فرنگی را از روی میزان صحیح استعمال کند آنوقت اجازه طبابت بدو داده شود و الا اجازه داده نشود. ملاحظه بفرمائید این قبیل اطباء که نمیتوانند اسم ادویه فرنگی را بخوانند و اسم ادویه اروپائی را بفارسی می نویسند و آقاییکه بحروف زبان خارجی آشنائی دارند می دانند ممکن نیست يك كلمه اروپائی را که بحروف فارسی نوشته است بشود خواند، مقدارش را هم نمیدانند چون فورمول نمیدانند و کتاب ندیده اند و خیال میکنند همان طور که گنده گنده را میشود دوسه نخود استعمال کرد سایر ادویه را هم ممکن است استعمال نمود اینها اسباب يك خطرانی برای افراد مملکت فرهم خواهد کرد و بنده تصور می کنم بدین اسباب ما يك قانونی را بگذرانیم صحیح نباشد البته شور اول است این ها نظریاتی است که میگویم و تا حدی که عده اطلاع ما از فن طبابت اجازه میداده است بنده عرض میکنم البته کمیسیون باید دکترهایی که در مجلس داریم دعوت کنند و از اداره صحیه هم نماینده بخواهد درست است که این لایحه از وزارت معارف رسیده ولی مربوط به صحیه است از اداره صحیه نمایندگی می آید و در اطراف این قضیه بیشتر مطالعه میکنند و با يك وضعی لایحه را تهیه میکنند که اشخاصی که در طی چندین سال معلوماتی پیدا کرده اند محروم از طبابت نباشند و آنرا می آورند به مجلس ما رأی میدهیم و الا يك کسی يك استشهادی بیاورد که من ده سال طبابت کرده ام و در مقابل اطباء دیپلمه کار کنند تصور نمیکنم صلاح باشد.

مخبر - این که نمایندگی محترم فرمودند سابقه ندارد ایران فرانس نیست سابقه اش همین است و این يك اختلاف لفظی است و اختلافی ما بین ما و شما نیست، شما میگوئید کسی را بی امتحان قبول نکنند ما هم همین را میگوئیم.

شیروائی - امتحان عملی
مخبر - در امتحان هر شرط را که میخواهید بکنید وزارت معارف پیشنهاد نکرده است که بدون امتحان به کسی اجازه داده شود بالاخره مأخذ امتحان است امتحان را میفرمائید در مرکز باشد، در مرکز امتحان شود، شرایط امتحان را سخت تر قرار بدهند بالاخره این را باید همه ما قبول کنیم که در مملکتی که وسائل تحصیل نداشته است به يك اشخاصی که يك اطلاعاتی پیدا کرده اند و يك زحمتی کشیده اند اجازه بدهند که امتحان بدهند و امتحن بدهند و امتحنین آنرا امتحان بکنند و در حدود معلومات او اجازه بدهند که ادویه را استعمال کند. اما راجع به اینکه وقتی اجازه دادیم چطور محدود میشود این جمله را که عبارت (فقط حق استعمال ادویه را خواهند داشت که در حدود معلومات آنها باشد) لایحه دولت نداشته بنده در کمیسیون اظهار کردم که خوب است نوشته شود به آن ها اجازه استعمال ادویه بمانی فقط داده میشود زیرا که ادویه بمانی يك ضرر معتناسی نمی بخشد و موافقت شد که این طور نوشته شود که فقط حق استعمال ادویه را خواهند داشت که در حدود معلومات آنها باشد، اینها باید در نظامنامه این قانون که وزارت معارف برای هیئت متحنه تهیه میکند قید شود و اجازه آنها باید محدود باشد نه اینکه آنها اختیار داشته باشند که ادویه عالیة سمی از قبیل استرکینین و سایر ادویه مخدره استعمال کنند البته بنده هم موافقم که باید محدود باشند ولی همه موافقم که يك عده اشخاصی که زحمت کشیده اند و سالها مشغول طبابت بوده اند و مدعی علم هستند امتحان شوند اگر از امتحان خوب بیرون آمدند به آنها اجازه داده شود و الا اگر نتوانستند امتحان بدهند ممنوع میشوند و از يك طرف هم جلوگیری از اشخاصی که حقیقة عالم هستند نشده است و اهالی از وجود آنها استفاده می کنند. در ولایات طبیب دیپلمه نیست و اطبائی هم که در

طهران هستند اگر دو برابر هم حقوق بمانی داده شود حاضر نمیشوند سه برابر هم داده شود حاضر نمیشوند روند به ولایات ...
دکتر سنک - مجبور شدن کنید.
مخبر - بی است که بعقیده آمده در اصل لایحه مخالفتی نداریم باید اینطب امتحان شوند نامعلوم شود اگر از امتحان خوب بیرون آمدند در حدود معلومات آنها بد آنها اجازه بدهند و اگر از امتحان بیرون نیامدند ممنوع میشوند.
رئیس - آقاي بهمداد
بهمداد - موافقم.
رئیس - آقاي احتشام زاده
احتشام زاده - موافقم.
رئیس - آقاي کازرونی
کازرونی - موافقم.
رئیس - آقاي روحی
روحی - موافقم.
رئیس - آقاي فیروز آبادی
فیروز آبادی - بنده به يك نظری با این لایحه مخالف هستم و الا مخالفت کلی ندارم و آن نظریه این است که همه آقایان مسبقند که امروز در مملکت ما طبیب دیپلمه نداریم، يك عده در مرکز هستند هر چه بخواهیم بیرون بفرستیم نخواهند رفت مگر این که يك حقوق گزنی که از حدود وسع مملکت خارج است به آنها بدهیم، در خارج هم طبیبی نداریم غیر از همان هائیکه در ضمن تجربیات و عملیات پنجساله و ده ساله و بیست ساله يك عملیات کرده اند و با ریشه کاسنی و عناب و این چیزها معالجه میکنند، اگر این لایحه بگذرد در صورتی که ما طبیب دیپلمه در مدارس جدید تهیه نکرده باشیم سبب خواهد شد اشخاصی که سالها است در سایه تجربیات و عملیات طبابت کرده اند و عجاله موفق شده اند

(شاید خدای نخواستد يك وقت يك نفر را همتلاف کرده باشند اما با وجود این نقمشن بدش از ضررشان است) حالا آمدند در این ده گفتند این طبیب امتحان نداده است و حق ندارد طبابت کند طبیب دیگری هم نیست آنوقت اهل ده بد که رجوع کنند باید به همان حال بمانند در صورتیکه آن طبیبی که دارند با گول بامشه و روغن کرچک آنها را معالجه میکند حالا مقایسه کنیم بنده بهتر است این مسئله را هم در نظر بگیرید و رأی میدهیم
رئیس - آقاي بهمداد
بهمداد - آقایان مخالفین گرچه مخالفتشان در خارج عمل است معذالك که اگر رجوع نکرده باشد بگفتند به در نتیجه طبابت قبل از قانونی که در ۱۳۲۹ گذشته، آنوقت تصدیق میفرمایند وزارت معارف چیزی نداشته جز این که این قانون را برای اصلاح قانون - بقی به مجلس بیورد طبابت ما عبرت از چه بود و عبارت از این بود که يك باچند نفری میفرقتند در محکمه يك طبیب و شریع میارند نزد او درس خواندن و نسخه نوشتن و بعد از چند سال شریک عملیات او شدن آنوقت با خود و اجازه میداد که حالا وقتش است به بدون اجازه میفرقتند و يك محکمه بزم میکردند بعد از آن که مدرسه طب تاسیس شد البته باید به این قضیه ختم داده شود که هر کسی زود يك دکان باز کند و باک اطاق بیرونش را محکمه قرار دهد، قانون سابق اجازه داد که در ظرف يكسال هر کسی که مشغول طبابت است بیدباید اجازه بگیرد بدون امتحان قانون پیش بدون امتحان بود و بعد از این طبیب باید دیپلمه خارج بشود مدرسه طب داخله، قوانین نزد مردم آنقدر مورد توجه نبود چنانچه الان هم مورد توجه نیست یعنی نمیخوانند که به بیمنند چه طور تدوین شده و عمل کنند این بود که اطباء عقب اجازه نیامدند پس از يكسال شروع شد به منع کردن داد و بیدادها بماند شد. این بود که يك سال تمدید داده شد باز هم نیامدند. الان در ولایات (هر سیکه مبتلا شده

است خوب میداند) يك عده هستند که آنها را هیچ کاری نمیشود کرد، در دوسیه های وزارت معارف که رجوع نفرمائید می بینید قلاً یا تصد حکم صادر شده که چرا قانون طبابت را اجرا نمی کنند. متحدالذات ها صادر شده. امنای معارف هم بحکومت و نظمیته ها رجوع کرده اند و بالاخره نتوانسته اند اجرا کنند، در بعضی جاها هم مرده است دکتری کرده اند که خیر ما این طبیب ها را میخواهیم و يك قسمت از اینها اشخاصی هستند که همت دارند برای طبابت و از عمل آنها مردم راضیند و امراضی که معمول به ایران است کاملاً از عهده معالجه آنها برمی آیند که حق اطباء فرانکی در بعضی موارد به آنها رجوع میکنند...

دکتر سنک - چه میفرمائید آقای...
 بهداد - عرض میکنم در تیفوس و حصه با آنها رجوع میکنند. مرض مملکتی است...
 دکتر سنک - پس شما منکر طبیب دیپلمه هستید!؟
 آقای سید یعقوب - مرض مملکتی جهل است.
 (صدای زنگ رئیس)

بهداد - باری چون آن قانون عملی نشد وزارت معارف ناچار شد که این قانون را برای اصلاح قانون سابق بمجلس آورد و این قانون را فقط وزارت معارف پیشنهاد نکرده است و خود او تهیه نکرده است بلکه در نتیجه چندسال مذاکرات معامین مدرسه طب که عموماً از اطباء دیپلمه معروف هستند تهیه شده و با نظر آقایان مخالفتی ندارد. میگوید: کسی که ده سال عمل کرده و از عهده امتحان برآمد به او اجازه داده می شود آن هم در حدود معلومات او با او اجازه میدهند و البته امتحان هم کاملاً در تحت نظارت وزارت معارف بعمل می آید و در قانون هم تصریح شده مرکز امتحان هم در جوشقان تشکیل نمی شود که متجن صحیح نباشد در مراکز ایالات و ولایات مهمه مرکز امتحان تشکیل می شود و يك متحدالذات به تمام جاها میفرستند که هر

کسی که برای امتحان به داشتن شرایط حاضر است بیاید و امتحان بدهد هم مملکت محروم از طبیب نشده است و هم قانون سابق عملی شده است. در این حال تصور نمیکم اختلافی بین آعیان باشد مگر آنکه نقتیش ودقت کامل نشود که آنها مربوط به طرز اجراء است دخلی به قانون ندارد.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.
 رئیس - مذاکرات کافی است؟
 (گفته شد بلی)
 رئیس - باید رأی بگیریم برای شروع در مواد عده کافی نیست. تلفس داده میشود.
 (در این موقع جلسه برای تلفس تعطیل و بفاصله نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)
 رئیس - راجع به لایحه اصلاح قانون طبابت باید رأی گرفته شود به شور در مواد آفرینیکه تصویب می کنند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد. ماده اول قرائت میشود
 (بشرح ذیل خوانده شد)
 ماده اول - اطباءیکه تا کنون موفق به اخذ اجازه نامه رسمی شده اند چنانچه مدال دارند مدت ده سال متوالی مشغول طبابت بوده اند میتوانند در مجلس امتحانی که در وزارت معارف و مراکز ایالات و ولایات تشکیل خواهد شد امتحان دهند در صورتیکه امتحانات آنها مورد قبول واقع شود اجازه نامه طبابت به آنها داده خواهد شد و فقط حق استعمال ادویه خواهند داشت که در حدود معلومات آنها باشد.
 رئیس - آقای آقا سید یعقوب.
 آقا سید یعقوب - بنده خیلی متأسفم که عرض کنم لایحه که دولت می آورد حقیقه نقي و اثباتش مضرت است

مخصوصاً بن لایحه که بنده آعیان میگردم نقي مملکت مفید است حالا می بینم بودنش و نبودنش هر دو مضرت است. لان به دلیل و برهان عرض میکنم. وزارت معارف يك مجلس امتحانی تشکیل میدهد و يك فضائلی است شرط در طلب زحمت کشیده اند که میتوانم بگویم نقي اینها شرایط و جایموس هستند نمی آیند پیش بن طبیبی که دره از روی مدرسه طلب بیرون آمده اند امتحان بدهند.

حالا این بودنش. اما نبودنش. در طهران آنها را که هستند و قوت دارند شکایت میکنند آقای مدرس را واسطه میکنند جلوی آقای رئیس را می گیرند و مستثنی می شوند ولی در ولایات عامور صحیه عمرن میرغضب - هائی که خود بن میدانیید جلوی آنها را می گیرند آن وقت چه کاری دارند! طبیب و دکتر هم که ندارند. يك بعضی در ولایات هستند که نفرمایش آقای دایر سنت که فرمودند گفت ذات البریه ش درد میکند. ولی البته يك دکتر های تازه هم هستند که آنقدر آید کشته اند و در دفعه اول بعضی اینکه آن نمک فرنگی را میدهند بکسر از روی خربوت برایش به جیبیم - خوب. اگر این لایحه نباشد در ولایات میدانم نسبت به مرده چه فشاری می آید؟ برای خاطر اینکه ما عموماً معارف کاملاً برای اجرای این قانون و جلوگیری از اطباءیکه سالها می آیند طبابت کرده اند و امتحانات کرده اند و زحمت کشیده اند فیراً حاضرند (بنده نمیکویم همه آنها خوبند) ولی یک عده تجربه کرده اند (خود آقای دکتر طاهری و آقای دکتر سنک تصدیق دارند که بالاترین مرتبه علم طبابت تجربه است)

فهمیده اند و مراحل معالجه امراضی که در ایران شیوع دارد و وافر است طی کرده اند فوراً مطابق آن قانونی که در دوره دو گذشته است اداره صحیه و وزارت معارف از آنها جلوگیری میکنند، چرا؟ بعلت اینکه میگوید این طبیب دیپلمه نیست و اجازه ندارد طبابت کند و طبیب مجاز هم آنقدر نداریم که بولایات روانه کنیم مرض هم که از بین نبرود عامور معارف هم نمیگذارد طبیب

مخفی مدو اند مرده با بن حال چه کار کنند؟ بنده در دوره دو وکیل نبوده ما خوبه وکیل بود به می گفتم، رأی بن قانون ندهید، بنده اظهار سوء ظن به دوره دویم نمیکم ولی دکتر در مجلس خیلی بیشتر از این دوره بود. این دوره بحمد الله فقط دوره بیشتر نیست آمدند دکتر ها يك قانونی را گذراندند در صورتیکه تصور نکردند هنوز ممانکت ما آنقدر دکتر اندرد، آنقدر طبیب اندرد، آمدند آن قانون را نوشتند و در حقیقت طبابت منحصر شد به دکتر های مرکز. و در ولایات معامین وزارت معارف ناچار شدند مطابق آن قانونی که از مجلس گذشته است جلوی آن ها را بگیرند. تمام ولایات صدایشان بلند شد که شما چرا میخواهید جلو گیری کنید؟ مرده هم حق داشتند زیرا آنقدر طبیب نداشتند که به ولایات بفرستند و مرده را معالجه کنند و در مدتی هم که آقای مشیر اعظم معاون بودند شدید شکایت زیاد از بن دست رسیده است و دولت هم بیخی و بی نقه در اجرای این قانون در عقیقه بود. حالا که این قانون آمده است این جا به عقیده بنده لقیاً و ثبناً مضرت است و دلیل آنرا هم عرض کرده. حالا هم عرض میکنم که يك مجلس امتحانی معین میکنند. حالا آن مجلس امتحان چه باشد چه ترتیب باشد در هر حالت گردان اسنان الحکما که یکی از فضلاء دانشمندان است نمی آیند در آن مجلس امتحان بدهند و الله نمی آیند. در فارس بنده میدانم اطباء می هستند که حقیقه دارای معلومات حقیقی طب قدیم هستند. میخواهید آنها بیایند اینجا امتحان بدهند؟ هرگز نخواهند آمد، در تبریز همینطور، پس باید يك فکری کرد. بنده که با این ترتیب امتحان کردن مخالفم و عقیده ام این است که عجاتاً به این اطباء که مشغول هستند یکسال دو سال اجازه بدهید که طبابت کنند کم کم اطباء دیپلمه را زیاد کنید که از وجود آنها مستغنی شوید و الا اگر نخواهید مجلس

يك متعالي قرر بدعید و متعین هم همین دلیلهائی باشند که تیره دلت شده اند و از مدرسه بیرون آمده اند کسی زنده نخواهد رفت و به این حال گمان نمیکنم این قانون عملی باشد و آن نظری هم که وزارت معارف دارد که از مطبوعه قانون بیرون بیاید بیرون نخواهد آمد این است که با این امتحانات بنده مخالفم .

معون وزارت معارف بنده خیال نمیکنم آقای آقا سید یعقوب با اطلاعاتی که خودشان از این موضوع داشتند و این چنین فرمودند دیگر نسبت به این لایحه اعتراضی نفرمایند . معذرت جواب اعتراضی که فرمودند بنده لازم میدانم خدمتشان عرض کنم . دخالت وزارت معارف در این امر فقط و فقط بموجب آن قانونی بوده است که در سال ۱۳۲۹ از مجلس گذشته است در ماده اول آن قانون تصریح شده است که اطباء نمیتوانند به این شغل مشغول باشند مگر اینکه اجازه نامه از وزارت معارف داشته باشند . و این وزارت خانه مرجع همه اطباء شده است . در ذیل این ماده مواد دیگری هم هست که در آنجا توضیح داده اند و تصریح کرده اند که اطباء بعد از مدتی که برای آنها معین کرده اند و باید حاضر شوند اگر حاضر نشدند دیگر نمی توانند بعد از آن تاریخ طبابت کنند مگر اینکه از مدارس طبی داخله یا از مدارس طبی معروف دنیا دیپلم داشته باشند . در آن جا نیز محدود شده است که اشخاصی که از مدارس طبی داخله یا خارجه دیپلم ندارند اگر کمتر از پنجسال طبابت کرده باشند حق ندارند طبابت کنند . بعضی شرایط هم در آن قانون هست که بموجب آن شرایط میتوانند اجازه بگیرند . این قانون وقتی که اجرا شد مفاد آن بگوش کسانی که مشغول طبابت بودند نرسیده و مطلع نشده اند از این جهت آنها به مقام شکایت بر آمده اند و دولت های وقت هم به يك ترتیبی با آنها مدارا کرده اند که از شغل طبابت آنها بطور سختی جلوگیری نشده باشد ولی

دولت مجبور بود برای این کار قطعاً تکلیفی معین کند در مقابل آن قانونی که وضع شده بود و در مقابل تقاضای هائی که از وزارت معارف میشد که آقایان نمایندگان مخصوصاً نمایندگان ولایات خوب مستحضرنند که چه قدر از طرف طبای و ولایات به آن آقایان مراجعه و تضییق میشود . از این جهت وزارت معارف مجبور شد که تصمیم دیگری برای این کار بگیرد . این بود که این لایحه را آورده و تقدیم کرده است . اما حالا اشکالی که برای این کار اظهار میشود این است که طبای که در طب قدیم یعنی طب ابرائی زحمت کشیده اند و معلومات دارند نمیتوانند با طبای که طب جدید را تحصیل کرده اند امتحان بدهند و این ایراد بنظر بنده وارد نیست . اولاً حوزه امتحانی که در مرکز تشکیل میشود البته مرکب است از اطباء علوم جدید و قدیم هر دو . کما اینکه الان هم در مدرسه طب طب قدیم هم تدریس میشود و معلم برای این علم هم داریم . همین معلم البته در آن مجلس امتحان حاضر خواهد شد و امتحان خواهد کرد و بعلاوه اطباء قدیم که مشغول طبابت و معروف بحدائق هستند و الان جواز طبابت دارند آنها هم در مجلس امتحان دعوت خواهند شد و رسیدگی می کنند و می بینند که آیا کسانی که داعیه این کار را دارند و می خواهند طبیب باشند قوه عامی و عملی آنها باندازه هست که با آنها اجازه طبابت داده شود یا نه ؟ اینقدره مسلم است دیگر و البته برای اینکار نظامنامه هم تدارک خواهد شد و موادی ترتیب میدهند . زیرا ذکر همه اینها (تصدیق می فرمائید) در لایحه قانونی نمیشود ولی در نظامنامه همه اینها قید خواهد شد . بعضی از آقایان راجع بخارج طهران فرمودند . البته در آن جاها هم وقتی هیئت متحنه تشکیل میشود (یعنی در مراکز ایالات و ولایات) طبای قدیمی که جواز طبی دارند و طرف اعتماد مردم و وزارت معارف هستند (بواسطه آن سابقه که در طبابت دارند) دعوت خواهند شد که باتفاق طبای جدید مجلس امتحان

را تشکیل بدهند اینقدر مسلم و متیقن است که اگر امروز بخواهند نسبت باین قبیل اطباء امتحان کنند خیلی دقیق تر خواهد بود از امتحان کردن بجهت از دادن نسیه هزار و سیصد و بیست و نه . این مسلم است . از این باب نباید نگرانی داشت . حالا این جا گفته میشود : طبای که می خواهند تحصیل اجازه کنند از نقطه نظر عامی شاید لایحه نداشته باشند و باید وارد در تحمیلات صحیح شوند . البته خود وزارت معارف که این لایحه را تقدیم کرده است برای تعلیمات يك اصولی دارد تهیه میکند و امیدواری میرود که بعد از این هر کس بخواهد وارد در مراحل عامی شود و بيك مقصودی برسد باید همه آنها را رعایت کند و طی کند تا بان مقصود برسد . این قدر مسلم است ولی نسبت باشخاص حاضر که الان در ولایات هستند و بیسبب اشتغال دارند و خیلی هم طرف توجه و رضایت مردم واقع شده اند بالاخره باید يك تکلیفی معلوم گردید ؟ اگر این قانون نگذرد . خوب . ما مجبور خواهیم شد که بلمره آنها را از شغل خودشان ممنوع کنیم . وقتی هم ممنوع کردیم باید دید که آیا ما اینقدر طبیب دیپلمه داریم که از طهران بفرستیم یا نه ؟ الان هم می بینیم که اینقدر طبیب نداریم که بفرستیم مردم را معالجه کنند و بعلاوه این متضمن مخارج زیادی خواهد بود که اداره صحیه فعلاً نمی تواند تحمل کند . این ها دلایلی بود که وزارت معارف را مجبور کرده است این لایحه را بیاورد اینجا و در این لایحه هم خیلی مشاوره شده است . به صحیه کل و با وزارت داخله صحبت کرده اند . راه حلی پیدا کرده اند و بالاخره این لایحه را تقدیم کرده اند و گمان نمی کنم این لایحه آنقدر بیکه با نظر نمایندگان محترم با عظمت می آید آنقدر هم عظمت ندارد . يك لایحه ساده ایست منتهی از نقطه نظر اینکه دچار يك خلاف قانونهائی نشویم آورده ایم و استدعا میکنم آقایان هم موافقت بفرمایند و رأی بدهند .

رئیس - آقای افسر
 افسر - البته برای هر يك از این مطالب که اینجا ذکر شده قانون لازم است و همین قانونی که بعقیده بنده در دوره دوم گذشته است خیلی مفید بوده است . البته آبرقت هر يك قسمت از لاعلاجی بوده است یعنی آنوقت فکر کردیم نمی توانیم از طبای که در مجلس بودند گفتند که احتمال ورود در تمام ایران صد و سی و صد و چهل نفر طبیب لایق برای طبابت بیشتر نباشد و این جهت دیدیم که يك ولایت خیلی بزرگ هیچ صیب ندارد در صورتیکه اگر بکنی ممنوع بداریم عرضش را از اینجا تهیه کنیم و این فقدان مساوی . مثلاً تصدیق می فرمایند دوره آهن البته بهتر از شتر است ولی اگر راه آهن نداشته باشیم نمی توانیم قدغن کنیم . که دیگر نباید سوار شتر هم شد و باید پیاده راه رفت . خیر . اینطور نیست . البته آنوقت خواستند موجبیت بن کار و تهیه اطباء دیپلمه بتدریج ضرورت بگیرد ولی متأسفانه آن طوری که انتظار داشتیم نشد و در تصرف این هیجده سال طبیب زیاد نشد بلکه يك عده هم که بودند رفتند به ادارات دولتی . ولی يك قدمت از عطلت مخالفت بنده راجع به امتحان است که در این جا ذکر شده . در اجری همین قانون آقایان ملاحظه فرمایند . يك اشخاصی که در فروش دیپلمه آمدند و به اینگونه يك صلاحیت خیلی قلیل و نقصی داشتند تحصیل جواز کردند و مجاز شدند و شاید در بیست نفر از روی استشهاده و مدرک اجازه طبابت گرفته اند ولی يك عده از طبیب محترم هم بطوریکه یکی از آقایان فرمودند نیامدند و دیپلمه و مانند بدون اجازه . مثلاً خاطر آقایان را متوجه می کنم بيك قضیه . در دوره دوم برای چهل نفر از آقایان اطباء به تصدیق مرحوم صدر الاطباء خراسانی که این جا وکیل بودند تصدیق و جواز وزارت معارف گرفته شد و وقتی که بخود اورسید اجازه میدادند و می گفتند دو نفر از از همان طبای که همین شخص تصدیق طبابت آنها را

لرده باید تصدیق کنند. چیز عجیبی است گفتند من
 او طبیب در خراسان نیست. وزارت معارف می گفتم
 شد آنها تصدیق کنند هر چه می خواستیم بگویم دور
 لازم می آید باشد تا بالاخره به یک زحمتی آن کار گذشت
 و مخالفت بنده هم در اینجا راجع به یک توضیحی است
 که میخواهم بدهند و آن این است که در اینجا نوشته
 شده است در صورتیکه امتحانات آنها مورد قبول واقع
 شود اجازه نامه طبابت به آنها داده خواهد شد و فقط
 حق استعمال ادویه را خواهند داشت که در حدود
 معلومات آنها باشد. اشکال بنده اینجا است که دوا
 مختلف است ممکن است یک دوائی از نقطه نظر دوا
 شناسی اثرات خوبی داشته باشد که بدان خوب دوائی
 است و مقدار خوردن چقدر است ولی ممکن است در
 امراض مختلفه استعمال شود و اینکه دوائی باشد که
 برای مالیدن خوب باشد ولی خوردن آن را باشد. یک
 دوائی باشد که هم در امراض خیلی سخت و هم در
 امراض عادی مجرب شود آیا مقصود چیست؟ اگر مثلا
 یک دوائی مثل استرکنتین همینقدر بداند که در چند امراض
 مورد استعمال دارد مجرب خواهد بود؟ یا اینکه خیردستی
 خاصیت آن دوا و مقدار آن را بشناسد یا اینکه
 اگر تمام امراضی را که آن دوا در آنها محل استعمال
 دارد شناخت حق استعمال نخواهد داشت؟ یا اینکه
 مقصود یک قسمت از امراض است. عقیده بنده اینست
 که اگر یک ماده اینطور تنظیم میشد که در هر یک از
 شعب طب که توانست امتحان بدهد حق معالجه همانها
 را داشته باشد این بهتر بود ولی بمجرد اینکه امتحان
 میدهد که فلان دوا مناسب با فلان مرض است این
 عموم و خصوص من وجه است زیرا ممکن است یک
 مرض چندین دوا داشته باشد خوبست این را توضیح
 بدهند که در موقع جریان اسباب زحمت نشود یک شخصی
 از نقطه نظر دواشناسی و تراپوتیک یک دوائی را می
 شناسد ولی تمام امراضی را که این دوا در آنها استعمال

میشود نمی شناسد حالا بنده میخواهم بدانم آن معلومات
 این شخص نسبت به دواست و نسبت به طبابت است یا نسبت
 به قسمت عمل این را توضیح بدهند.
 محترم. چند آنچه قبلاً هم عرض کرده ام همینون یک مذاکره ای شد.
 بنده در اینجا یک پیشنهادی کرده (در لایحه دولت
 بود) پیشنهاد کرده ام که نوشته شود این طبیب فقط حق
 استعمال ادویه را داشته باشد ولی چون بعضی ادویه
 جدید است که مثل ادویه نیست است و ضرر زیادی هم
 ندارد از آن جهت موافقت شد که در حدود معلومات
 آنها اجازه داده شود. البته این یک عبرت کلی است
 و هم منظور که آقای معاون فرمودند در موقعی که
 نظامنامه مربوط به این قانون نوشته میشود باید تصریح
 شود که مقصود از اینکه در حدود معلومات آنها اجازه
 داده میشود چیست؟ این نظری که بنده میخواهم مطرح
 کردم که تخصص در هر قسمتی که داشتند به او اجازه
 داده شود این غیر از چیزی است که ما در اینجا نوشتیم
 و بعد پیشنهادی فرمایند که آن نظریه را هم تأمین کنند
 و مقصود از این عبرت این است که آنها معلوماتشان
 لابد در جایی دارد یکی هست که وقتی امتحان داد نامه
 شعب طب را امتحان میدهد و مورد استعمال ادویه
 قدیم و جدید را هم میداند در اینصورت به او اجازه
 داده میشود که مثل اشخاص دیپلمه طبابت کنند یکی
 است که معلوماتش منحصر به طب قدیم است
 در اجازه نامه اش قید می شود که باید بر طبق
 طب قدیم طبابت کند و ادویه جدید را استعمال
 نکنند و آن نظری را که حضرت و لا اظهار میفرمایند
 که فرضاً اگر کسی در قسمت معالجه سالک امتحان می
 دهد بگویند تو فقط این قسمت را معالجه کن این غیر
 از آن است و البته میتوانند پیشنهاد فرمایند.
 رئیس - آقای شیروانی
 شیروانی - عرض اینکند یک سهیلانی نسبت به
 چند نفر از فضلا که آقای آقا سید یعقوب فرمودند

فر هم بیاییم و بقول خود ایشان یک صورت قنون
 می آید در مجلس که ما مجبوریم بحق مشروع آن
 فضلا مخالفت کنیم در یک عصری که دنیا وقتی میخواهد
 دیپلم بدهد بطریق پس از آنکه طی تمام مراحل علمی
 را کرده اند آنوقت باید برود و در یک رشته مخصوصی
 چنانچه آن تحصیل کند و زحمت بکشد آنوقت به آن
 دانش یک اجازه میدهند که در همان رشته مخصوص
 حق طبابت دارد در یک چنین عصری که دنیا اینطور
 کار میکند و قانون باوریم و یک کسی که ده سال
 بدون خوردن طبابت کرده مجاز نیستیم که در تمام امراض
 (که در این عصر بدیش و یک فرد مخصوص دخالت میکند
 است) در تمام امراض بکشد بقول آقای دانش
 سنگ خور روی سر مریض بگذارد و یک جوانی هم
 در مجلس میماند و یک شخص هم بطوریکه در قانون
 نوشته تشکیل میشود نه در آنچه امتحان شده بنده
 نمیدانم که آن چه مجلس است و چه بطوریکه همان است
 در آن واحد بطوریکه فرمودند بکنند و متوجه کرد
 زیرا امتحانات علمی در این در عمل معلوم شود
 و یک ماده عادی بود بنده معالجه شود کسی
 این شخص از عهده برمی آید یا نه؟ یا اینکه چند نفر
 دکتر در هر جمیع شوند و یک شخصی که بخواهد بکند
 یک اجازه بدهند که برود آید باشند در عصری که در
 سایر ممالک اینطور کار میکنند و برعکس عمل کنیم و
 رویه ارجح بودم یکی از آقای مطلق میگفت که
 در اروپا مثل آزاد بطوری آزاد است که دولتها همیشه
 سعی میکنند که کمتر مداخله در مشاغل آزاد بکنند مثل
 بکنند میکاپیک و بکنند مهندس یا کارخانه چی باید
 بقدری آزاد باشد که دولت هیچ قسم تعرضی نسبت به
 آنها نداشته باشد فقط دو شغل است که حتماً
 باید در تحت نظر دولت باشد یکی طبیب دیگری
 وکیل مدافع (آرکا) یعنی کسانی که جان و مال مردم
 در دستشان است نباید بقسمی آزاد باشند که هر کاری

صفحه ۱۴۸۲
 دلشان میخواهد بکنند اینها باید در تحت قوانینی
 باشند که جن و مال مردم در دست آنها معصوم
 باشد ما حالا آنها را کار نداریم شغل آزاد را برای
 همه کس آزاد گذاشته ایم در اینجا بکنند هم راهش
 را باز کرده ایم که غیر دولت هم بتواند بگوید من
 دکترم یعنی بمجرد اینکه بگیرد من ده سال طبابت کرده
 ام و نفوس بین اسپرین و گشته گشته را هم ظاهر
 کنند آنوقت یک جواز آدم کسی در دستش بدهیم
 و چند آنچه عرض کرده در دست کارهای ما در دست
 رنجور میبرد. یک معیبه است که در تمام قوانین نظامنامه
 های بی ربط می بینیم آنها را می چسبند و دو دستی
 حفظ میکنند و برای بسط آن قانون آنها را میبندند
 یک قانون دیگری که فوق آن غلط است دست
 میدهند که تصویب کنیم. تخصیلات در دنیا دو قسم
 است یک عده شخصی هستند که وارد میشوند در مدرسه ابتدایی
 و متوسط و طب و فنون دیگر و بالاخره مدارس عالییه
 را هم طی میکنند و دیپلم بگیرند و بیرون میگردانند
 و یک قسم دیگر هم تحصیلی است که تمام مدارس در
 موقع امتحان اعلان میکنند که آن کلاس چند سالان
 مدرسه امتحان میکنند دو طایف بیایند و امتحان
 بدهند آن وقت آن فضائلی هم که آقای افسر فرمودند
 اگر دیدند که دیپلم در دستشان میدهند و مثل سایر
 طبیبان فضل که طی تمام مدارج علمی را کرده اند به
 و هم همینطور معامله میشود البته و هم خیلی افتخار
 میکند که بیاید همچو سندی را بگیرد و می آید مثل
 همان طبیبی که از مدرسه ابتدایی مدارس عالی رفته اند
 و بیرون آمده اند امتحان میدهد و دیپلم میگیرد.
 شخص فساد بیعی ندارد از اینکه امتحان بدهد خواه
 کلاسیکی تحصیل کرده باشد یا در خارج از روی تجربیات
 و کتاب معلومات پیدا کرده باشد. در موقع امتحان
 میآید امتحان میدهد و میبرد مشغول طبابت میشود حالا
 داشته اند یک نظامنامه نوشته اند کسی که می خواهد

وارد مدرسه طب بشود حتماً باید دوره متوسطه را دیده باشد بنده تصدیق دارم که برای فهمیدن يك معلومات عالی يك مقدمتی لازم است ولی این طب تاریخ هم لازم دارد ؟ یا آن ترگرمهي غریب و عجیب مدارس متوسطه بالاخره باید يك دوره کامل انیست و فقه و اصول تمام اینها را باید بخواند تا برود در مدرسه طب . بنده عرض میکنم کسی که امتداد داشته باشد در طبیت را کامل کرده باشد شیمی و فیزیک را هم دیده باشد او میتواند وارد مدرسه طب بشود زیرا که جغرافیای همین است که در مدرسه ابتدائی خوانده است کافی است . بنده در مدرسه طب را بزور همه کس بسته اند تا اینصورت چطور میتواند کسی از خارج بیاید و امتحان بدهد ؟ و بالاخره اینها يك معاینی است که حالا دروات بهش بر خورده و نمیداند چطور حل کند . حالا بنده يك مثالی عرض میکنم در اصفهان يك مدرسه است که بیستون مذهبی انگلیسها تاسیس کرده است و يك سرپخانه خیلی عالی در آن نظیر ندارد دکتري های خیلی عالی آورده اند در آنجا و یکمده شاگردان مدارس ابتدائی بلکه کمتر یعنی در خارج يك تحصیلات ابتدائی کرده اند میروند در آن سرپخانه و کامیلتند . ما الان دکتري در اصفهان داریم که از تمام دکتري ها بهتر است آمد در اینجا دیپلم بهش ندادند رفت در انگلستان و در آنجا امتحان داد و دیپلم گرفت . دکتري فیدغوری یکسال آمد طهران زحمت کشید دیپلم بهش ندادند رفت در انگلستان دیپلم گرفت و بر گشت خوب این شخص بیست و یکسال در سرپخانه انگلیس ها کار کرده بود . معلومات داشت رفت در آنجا امتحان داد و دیپلم گرفت الان در آن سرپخانه سالی چند نفر تربیت میکنند که هر يك ده سال یا نژده سال کار کرده اند اگر بیایند در اینجا و امتحان بدهند خیلی بهتر از شاگردان امروزه امتحان میدهند . اینها را نمیتوانند بپذیرند چرا ؟ برای این که نظامنامه در وزارت معارف را بزور

کنند و در خارج تحصیلاتی کرده اند بتوانند امتحان بدهند و خودشان را در مسابقه با يك کسیکه تحصیل کلاسیکی کرده شریک کنند و سند لیاقت خود شان را دریافت دارند و بالاخره متخصصینی در وزارت معارف بیایند و بنشینند و يك لایحه تنظیم کنند و بدهند بوزارت معارف . وزارت معارف هم بیآورد اینجا و ما تصویب کنیم . ونا وقتی که این نظامنامه در آنجا گذاشته شده در مدرسه طب را بسته اند و از اینطرف هم سندی بدست اشخاص بدهند که هم آن مضرت است و هم این . این بود عرایض بنده .

معاون وزارت معارف - آقای شیروانی يك مطالب کوچکی را خیلی طولانی میکنند و این هم يك قوه است که مخصوص بخودشان است . در ضمن بیاناتی که فرمودند چیزی که بنظر بنده قابل ملاحظه آمد این است که داوطلبها همیشه در موقع امتحان در هر جای دنیا حاضر میشوند و میگویند ما دو طلب امتحان هستیم و البته فرمایشات ایشان صحیح است و هر کس هم که در این مسئله معلوماتی دارد در موقع امتحان حاضر میشود و قوه استعداد خود را بروز میدهد اما این مربوط به موضوع این لایحه نیست . موضوع این لایحه راجع باطباء قدیم است آنهایی که تحصیلات طی شان روی اصول قدیمی بوده است این اشخاص می آیند و داوطلب امتحان میشوند . آیا اینها میتوانند در کلاس نهائی مدرسه طب امتحان بدهند ؟ در صورتیکه کسیکه کلاس نهائی طب را امتحان میدهد میبایستی چهار سال تحصیل کرده باشد یکسال هم در کلاس مقدماتی طب و یکدوره هم مدسه متوسطه و ابتدائی را دیده باشد و همه اینها باید کلاسیکی باشد زیرا اگر کلاسیکی نشد آن درس آخری یعنی کلاس نهائی طب را نمیفهمند . میفرمایند در مدرسه طب درس های زیادی هست و فرمودند ریاضی باید خوب بداند و طبیعیاتش هم باید کامل باشد تشریح هم باید بداند . خیلی خوب . بنده عرض می کنم که جغرافیا هم باید بداند

برای اینکه اگر نداند امراض مناطق را نمیفهمد تاریخ هم باید بداند چون مربوط به درس قبل است اگر بکنفر وارد مدرسه ابتدائی میشود باید بگوید چون من میخواهم وارد مدرسه عالی طب بشوم تاریخ نمیخوانم اینک معقول نیست و منطبق ندارد . و بالاخره قواعد و اصول تعلیم يك چیزی است که اشخاص عالم و متفکر نوشته اند و نوشته اند و بعقیده بنده بحث در این موضوع در مجلس شورای ملی اصلاً موضوع ندارد . این يك مسئله علیحده است . و باید دانست چه مبرا داشته اند که این قانون را بیآوریم بمجلس . ابتدا هم عرض کردم وزارت معارف باطباء از يك راهی ارتباط دارد که مربوط است به علم و فضیلت آنها و همانطور که همه اشخاصی که در مدارس تحصیل میکنند باید فضل و معلومات آنها را وزارت معارف تصدیق کند و دیپلم بهشان بدهد همینطور هم اطباءیی که درس میخوانند یا شخصی که در مدرسه حقوق یا مهندسی تحصیل می کنند مقامات فاضلی آنها را باید وزارت معارف تصدیق کند . بالاخره وزارت معارف از این راه باطباء ارتباط دارد و در قسمتهای دیگر به آنها مربوط نیست قانونیکه در سنه ۱۳۲۹ در مجلس شورای ملی تصویب شده است آن قانون این ارتباط را ایجاد کرده است بنا بر این این قضیه مربوط شده است بوزارت معارف . حالا يك تپه خاکی ریخته اند در آنجا و میگویند این را بردارید . آخر ما وسیله لازم داریم . يك ناوه برای ما لازم است که کولمان بگذاریم و این خاک را بر داریم . قانونی وضع شده است و گذشته است اگر ذره تخلف از آن قانون بشود هزار گونه ایراد میشود که چرا برخلاف قانون رفتار شده است این است که وزارت معارف اجازه میخواهد که برخلاف قانون عملی نکرده باشد و بالاخره باید راه حلی پیدا کرد و راه حلش هم همین است و همانطور که قبلاً عرض کردم اینها يك عده معدودی هستند و امثالشان هم در مملکت

زیاد نیست و این هیچ قدم از تجائی نیست و آدم کشی هم نیست. و بالاخره تمام این مسائل مسلم است که اینها يك مردمائی هستند که در حدود معلوماتی که دارند همان گول گاو زبان و گول بنفشه را خواهند داد. و مردم هم از آنها و از نوع عملشان رضایت دارند و سالیان منادی هم کارشان همین بوده است و اتفاقی هم نیفتاده است و حالا تحقیقات و نفتیشات بیشتر است زیرا حالا اگر يك نسخه را ملتفت نشود و بدهد آن دواخانه و دوا فروش که نسخه به آنجا برود و چش را میگیرد و مورد ابراد واقع میشود و از این باب جای نگرانی نیست و دو نفر مفتش هم لازم نیست که عقب او راه برود بالاخره کاري ندارد که مفتش لازم داشته باشد يك اشخاصی بوده اند و مشغول عملیات هم بوده هستند. ما مجلس شورای ملی عرض میکنیم ما اجازه ندهید که ما برخلاف قانون عملی نکرده باشیم و این صورت مشروعی يك عملیاتی نکنیم. اگر مجلس شورای ملی نسبت به نظامنامه نظریاتی داشته باشند این محل بحث نیست و ممکن است در آن باب هم دقت کرد که نظامنامه را چگونه باید عملی کرد این حرف صحیحی است که اگر مجلس شورای ملی بگوید من به نظامنامه اعتماد ندارم و باید در کمیسیون مطالعه بشود این يك حرفی است اساسی.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
دکتر سنگ - اجازه میفرمائید

رئیس - عده برای رأی کافی نیست بفرمائید

دکتر سنگ - بنده نمیدانم آقایان عرایض بنده را چگونه تصور فرمودند بنده مقرر و معترفم که اشخاصی هستند از اطباء قدیم که هیچ تصدیق و دیپلم ندارند. لیکن در معالجات بسیار خوب هستند و اگر در اینجا عنوان کردم که يك کسی را دیدم که يك ورقه استشهادی در دستش داشت و چه شد کار ندارم و البته آن کسیکه زحمت کشیده و کتب قدیمی را کاملاً دیده است

بنده اعتراف دارم از اینکه اوشخص عالمی است و بنده میتوانم در موقعی که گیر افتادم از آن شخص استمداد کنم. خیلی از این اشخاص هستند بنده منکر نیستم. فقط يك گناه ما داریم و نمیدانم که این گناه را از چند سال قبل به این طرف مجلس مرتکب شده است یا ساز آقایان. و آن گناه این است که قانون مدرسه طب را بطوریکه باید تنظیم کنیم نکرديم. قریب بیست و دو سال است که مجلس باز است و دوره ششم است هنوز این مجلس نتوانسته است راجع بمدرسه طب اقدام بکند و بنده خوشوقتم که در موقع تصدی آقای تدین در وزارت معارف يك قدمهائی بر داشته شده است که دارد مدرسه جلو میرود. و بالاخره گناه ما این بود که راجع به این مدرسه اقدامی نکرديم و حالا بنده میخواهم بدانم که به این اجازه نامه هائی که در دست يك اشخاصی میدهیم گناه ما يك میشود یا خیر؟ اگر يك میشود بنده مخالف نیستم ولی چنانچه عرض کردم یکمده اشخاصی شاید باشند. که ورقه و تصدیقی داشته باشند از اشخاص مختلفه که هیچ داخل در فن طبابت نیستند و بنویسند که این شخص خیلی خوب طبیبی است و آن وقت در عمل شاید خوب نباشد. و در مقابل اینها هم اشخاصی هستند که طب قدیم را تحصیل کرده اند و استفاده هم ازشان میکنند اما اگر شما بخواهید يك مجلس امتحانی درست کنید آیا سزاوار است يك کسی که رفته است و تحصیل کرده است و کسی است که بقول یکی از آقایان در يك کلینیکی مشغول عملیات بوده و در ضمن تحصیلات طبي قدیم و جدید را هم کرده است. آیا میشود این شخص را محروم کرد؟ بنده هم عرض میکنم نباید محروم کرد و حتماً باید طبابت کنند ولی باید شریطی که بعد پیشنهاد خواهم کرد.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
رئیس - پیشنهاد ها قرائت میشود
(بشرح ذیل قرائت شد)

اصلاح ماده اول را بطور ذیل پیشنهاد میکنم :
ماده اول - حق طبابت اشخاصی خواهند داشت که مطابق برگزیده مدرسه طب تحصیلات طبي کرده و امتحانات لازمه را داده و اجازه طبابت اخذ کرده باشند
تبصره اول - اشخاصی که از سنه ۱۳۰۰ مشغول طبابت هستند باید بموجب برگزیده مدرسه طب امتحانات لازمه را داده اخذ اجازه طبابت بکنند.

تبصره دوم - اشخاصی که سنه ۱۳۰۰ با اجازه رسمی طبابت کرده اند مجاز خواهند بود والا باید مطابق برگزیده مدرسه طب امتحانات لازمه را داده اخذ اجازه نامه بکنند دکتر رفیع امین
بنده پیشنهاد میکنم تبصره ذیل بر ماده اول اضافه شود

تبصره - اطباء می توانند در هر يك از شعب طب که متخصص هستند و امتحان داده اند و نسبت بهمان شعبه اجازه نامه تحصیل نمایند و معالجات آنها محدود بهمان قسمت باشد افسر

در این موقع که استعمال کله دکتر اختصاص باشخاص معین خواهد داشت برای اینکه بین درجات اطباء فوق محسوس باشد که مراجعه کنندگان بشتبانه نیفتند پیشنهاد ذیل را تقدیم میکنم. اول برای طبیبانی که در مدارس عالییه خارجه تحصیل نموده بعلاوه دیپلم مدنی هم که لازم بوده مشغول عملیات طبي بوده اند اسم خاصی گذاشته شود

دوم - برای اطباء دیپلمه خارجه که عملیات طبي ندیده اند اسم دیگری گذاشته شود

سوم - برای اطباء فارغ التحصیل از آن هم که عملیات طبي دیده و داشته اند اسم خاصی معین شود.

چهارم - برای اطباء فارغ التحصیل بی عمل هم اسمی معین شود

پنجم - برای طبیبانی که رسماً تحصیل نکرده و

طبیب مجاز هستند اسم دیگری معین شود و اضافه میکنند که اگر تعیین اسمی مختلفه نظر مشکل آید درجات را باین ترتیب معین کنند

طبیب اول - طبیب دوم - طبیب سوم - طبیب چهارم - طبیب پنجم

رئیس - پیشنهادها زیاد است بیست فقره بیشتر است

اجازه میفرمائید مراجعه شود بکمیسیون؟

جمعی از نمایندگان - صحیح است

رئیس - ماده دوم قرائت میشود

(مضمون ذیل قرائت شد)

ماده دوم - طبیبانی که فقط اجازه طبابت دارند و دیپلم از مدارس طب دولتی داخله یا خارجه نگرفته اند حق استعمال کله (دکتر) را نخواهند داشت

رئیس - آقای افسر

افسر - بنده با این ماده مخالف هستم بجهت اینکه نقص است و باید تکمیل شود زیرا آن هم معمول است که هر کس در روی تابلویش مینویسد (دکتر) و البته (دکتر) ما هم یاد میگیریم بنا بر این در موقع احتیاج که بخواهیم مراجعه کنیم ملتفت نیستیم که این شخص تحصیلاتش تا چه اندازه است و در کدام مملکت تحصیل کرده است. بالاخره در چه مرض متخصص است که به او مراجعه میکنند ولی بعد از اینکه يك درجانی برای اینها قائل شدیم و يك اسمی مخصوصی برایشان گذارديم گمان میکنم رفع این محذور بشود زیرا اینها پنج طبقه اند یکدیسته از طبیبانی هستند که در مدارس عالییه خارجه تحصیل کرده اند بعلاوه در مدنی که لازم بوده است مریضخانه رفته اند و عملیات کرده اند اینها در مرتبه اول هستند و باید اسم خاصی برایشان گذارده شود. دوم آنهائی هستند که تحصیلات عالییه کرده اند ولی عمل ندیده اند. اینها با آنها فرق دارند

سوم آنهائی هستند که در ایران در مدارس طی و دارالفنون تحصیل کرده اند و عمل هم دیده اند دو سال سه سال در نزد اساتید زحمت کشیده اند برای آنها هم اسم خاصی باید معین شود. چهارم آنهائی هستند که بعد از آنکه تحصیلاتشان تمام شد فوراً رفته اند بولایات و مشغول معالجه شده اند و جمعی را کشته اند پنجم اطباء عادی یعنی همین طبائی که مدارج طی جدید و قدیم را طی نکرده اند و چون پنجسال دهسال طبابت کرده اند به آنها اجازه داده شده است که طبابت کنند. البته برای اینها هم باید اسمی معین شود و بالاخره اگر بخواهیم بهمان فلسفه که آقای شیروانی و بعضی آقایان فرمودند دقت کنیم که مردم اغفال نشوند. بهترین راه برای این مسئله همان پیشنهادی است که بنده عرض کردم. همانطور که در نظام هم يك درجاتی هست و يك اسامی مخصوصی است. نایب اول، نایب دوم، نایب سوم، بعقیده بنده باید در آن اجازه نامه که باو میدهند نوشته شود که این شخص متخصص فنی است و طبیب اول است و همچنین در سردرب منزلش نوشته شده باشد که این شخص متخصص فنی است و طبیب اول است که بنده بدانم این شخص چه سمتی دارد. نه اینکه در تابلوش بنویسد متخصص در امراض چشم و فلان و فلان و يك جمله هائی بنویسد مثل اینکه در تحفه حکیم مؤمن گاه را مینویسد که هفتاد و پنج خاصیت دارد در صورتیکه هیچ خاصیتی ندارد. پس بعقیده بنده بایستی يك اسامی بخصوص گذاشت که کاملاً بدانیم که این شخص چه عملیاتی میتواند بلدند. و چنانچه اسامی خاصی هم ممکن نباشد

چنانچه در در پیشنهاد هم عرض کردم نوشته شود طبیب اول و دوم و سوم و چهارم و پنجم و معتقدم که لفظ دکتر را بردارید و همان درجات را قائل شوید که مردم اغفال نشوند.

معاون وزارت معارف - مقصود از کلمه دکتر برای اشخاصی است که از مدارس بیرون آمده اند و يك مراحل علمی را طی کرده اند که بالاخره میرسند به قسمت علمی و بجائی میرسند که به آنها گفته میشود (دکتر) و دکتر بانها اطلاق میشود و البته این کلمه نیست باشخاصی که این مراحل را طی نکرده اند و تحصیلات قدیمه کرده اند نباید اطلاق شود زیرا مربوط باو نیست و چنانچه عرض کردم این کلمه باشخاصی اطلاق میشود که درجات علمی دارند و این مراحل را طی کرده اند.

رئیس - چون عده برای مذاکره کافی نیست جلسه را ختم میکنم

شیروانی - اجازه های مرخصی آخر جلسه باید تکلیفش معلوم شود در آخر جلسه اجازه ندهند که هر روز مجلس از اکثریت بیفتد

رئیس - قرارش را بعد بیرون میدهیم. جلسه آینه روز سه شنبه دستور هم بقیه دستور امروز کسری کمیسیون ها را هم عرض میکنم که برای روز سه شنبه انتخاب شوند.

یست و تلگراف ۱ نفر مالیه ۲ نفر معارف ۲ نفر خارجه ۱ نفر نظام ۱ نفر فوائد عامه ۱ نفر (مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد)